بدانند که او خلیفه نباشد او بیرون آید از میان عراق و شام نخست دعوی
پیغامبری کند بدانید که از پس من پیغامبری نخواهد بود بعد از آن دعوی خدایی کند
بدانید که هیچکس خدای را عز و جل در دنیا نخواهد دید در میان پیشانی او نوشته باشد که
این کافر است بخدای عز و جل و خدای عز و جل چنان کرد اند که آن نوشته را همه کس
توانند خواند اگر چه خوانده و نویسنده نباشد از آفتهای او یکی آن بود که مردی را
گوید اگر خواستی مادر و پدر ترا زنده کردانم بمن گروی در وقت دو دیو را
مانند مادر و پدر را و نمایند و آن مرد گوید که ای پسر ما بگرو بوی که او خداست
و او مرا بی را گوید که شتر شما را زنده کردانم همچنان دیو انرا نماید و دوزخ نماید
بدروغ در جب در راست خود پیغامبر فرمود علیه السلام هر که خواهد که بران
مبتلا نشود هر روز چهل سوره الکهف بخواند خدای عز و جل آن آتش را بروی سرد
کرداند همچنانکه ابراهیم علیه السلام شد و آفتاب را بگیرد و بدو نیم کند و دست
دراز کند و مرغان هوا را بگیرد و هر که را خدای عز و جل نگاه ندارد زود بود که
دین بباد دهد نعوذ بالله منها همه روی زمین را در اندک روزگار بگردد
مگر مکه و مدینه را که فرشتگان بیرون کشند و چون بمدینه نزدیک رسد بموضعی رسد که
آنرا طرایب احمر خوانند مدینه بجنبد سه بار چنانکه هر چه در وی مرد و زن منافق
بود بیرون اندازد و مدینه را پاکیزه کرداند از منافقان و از فتنه او دیگر آن
بود که مومنی را بگیرد و بگوید که بمن بگرو که خدای تو امام من گوید دروغ میگویی

تو خدای من نیستی بارهٔ سر او را دو نیم کردن فرماید و بارش خدای تعالی
زنده کند آنگاه گوید که خدای تو کیست گوید الله تو دشمن خدای خدای تعالی
او را بر هیچ مومن ظفر ندهد و دیگر بر مردی و شهری که گذر کند آن قوم
بدو نگروند همه چهارپایان ایشان سقط شوند و هر که بگرود از ابر باران آید در
ساعت و نباتات رویاند تا چهارپایان بخورند و فربه شوند این همه از بهر
فتنه خلق راست ایزد تعالی ابر را و زمین را فرمان بردار او کرده باشد
و چون بر بیت المقدس آید سه بانگ کند چنانکه از مغرب تا بمشرق شنیده شود
و بیشتر او در حصار کند ناگاه عیسی صلوات الله علیه فرود آید وقت نماز بامداد
امام زمان چون او را بیند خواهد که باز پس آید عیسی صلوات الله علیه دست
بر پشت وی نهد و گوید که تو امامی کن چون نماز گذارند عیسی علیه السلام بیرون
آید بپند دجال را با هفتاد هزار جهود شمشیرها حمایل کرده چون بپند عیسی را علیه
السلام دجال بگداز و بر خویشتن چون ارزیز پس بگریزد از پیش وی
دریابد او را عیسی علیه السلام بر دری از درهای بیت المقدس آنرا باب
الشرقی خوانند بزندش ضربتی و بکشد پس جهودان بگریزند و پس درختان
و دیوارها بنهان شوند خدای عز و جل دیوار و درخت و سنگ و چوب را
و چهارپایان را همه را بسخن آرد که مسلمانان را بگویند این فلان جهود است بکش
مگر گیاه غرقد که بارهیچ بزغن خوانند که آن گوای ندهد بعد از آن در میان

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)